

مسلم داوودی نژاد، روان‌شناس و متخصص در حوزه خانواده:

پرداخت مهریه در زمان تنش مغایر بافلسفه آن است

نیروه ساری

دکتر مسلم داوودی نژاد، روان‌شناس و متخصص و مدرس در حوزه خانواده در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: مهریه باید نمادی از عشق و تعهد باشد و پرداخت آن زمانی معنا پیدا می‌کند که زوجین رابطه‌ای مبتنی بر احترام و علاقه داشته باشند، نه زمانی که تنش یا اختلاف به وجود آمده است.

گفت‌وگو با وی در ادامه می‌آید.

چرا امروزه بسیاری از خانواده‌ها مهریه را به عنوان ضامن بقای زندگی مشترک می‌بینند و این دیدگاه تا چه حد با آموزه‌های دینی همخوانی دارد؟

نامانی اقتصادی و آسان شدن طلاق در جامعه مدرن باعث شده است زنان به پشتوانه مالی پس از جدایی فکر کنند. این نگرش بیشتر ریشه در تجارب اجتماعی و تاریخی دارد و با ترس از مشکلات اقتصادی پس از طلاق تقویت شده است. در حالی که قرآن و سنت پیامبر(ص) مهریه را به عنوان هدیه‌ای از سر محبت و صداقت معرفی کرده‌اند، نه به عنوان وثیقه مالی یا ابزار فشار. قرآن در سوره نساء تأکید می‌کند که مهریه باید با طیب خاطر داده شود و پرداخت مهریه سنگین که مرد توان پرداخت ندارد، ظلم تلقی می‌شود، بنابراین مهریه به عنوان ضامن مالی برای حفظ زندگی یا آموزه‌های دینی همخوانی ندارد و فلسفه اصلی آن، نه به عنوان ابزار فشار یا اهرم حفظ خانواده بلکه نشانه مهر و تعهد در آغاز زندگی مشترک است.

چگونه می‌توان فرهنگ‌سازی کرد تا خانواده‌ها مهریه را به جای بار مالی، به عنوان تعهد معنوی و مسئولیت اخلاقی ببینند؟

فرهنگ‌سازی در این حوزه بدون استفاده از رسانه‌های پرنفوذ ممکن نیست. رسانه‌ها در شکل دهی به سبک زندگی نقش تعیین کننده دارند، اگر همان‌طور که محتوای جذاب و سرگرم کننده می‌سازند، در قالب فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های پرمخاطب مفهوم مهریه را به عنوان نشانه محبت و تعهد جاسازی کنند، نگاه جامعه به تدریج اصلاح می‌شود. در کنار رسانه، مشاوران خانواده و روحانیون نیز مؤثرند، اما تا زمانی که خودشان در رفتار شخصی این‌الگورأ رعایت نکنند، تأثیرشان محدود می‌ماند. یک معنف جدی در کشور، آموزش‌های پیش از ازدواج است. محتوای این دوره‌ها عمدتاً به مسائل زیستی و زناشویی محدود شده است و درباره مهریه، نفقه، سبک زندگی، چشم‌وهم‌چشمی و مسئولیت‌های زوجین آموزشی ارائه نمی‌شود. اصلاح این بخش، اثر فرهنگی ماندگاری دارد. برای فرهنگ‌سازی واقعی باید رواقعیت‌های اجتماعی نیز شفاف شود، مثلاً اینکه چند درصد مهریه‌های سنگین واقعا پرداخت شده‌اند تا روشن شود سنگین کردن مهریه کار کردی ندارد و بیش از همه محصول چشم‌وهم‌چشمی است و نهایتاً، مهم‌ترین پیام فرهنگی این است که مهریه باید «تضمین

عشق» باشد، نه «وثیقه تهدید» و اگر جامعه این مفهوم را بپذیرد، نقش مهریه از ابزار فشار به نشانه مسئولیت‌پذیری و مردانگی تبدیل می‌شود و بسیاری از تنش‌ها از بین می‌رود.

چرا اسکه به معیار اصلی مهریه تبدیل شده است و چه جایگزین‌های فرهنگی، اجتماعی یا اخلاقی می‌توان پیشنهاد داد؟

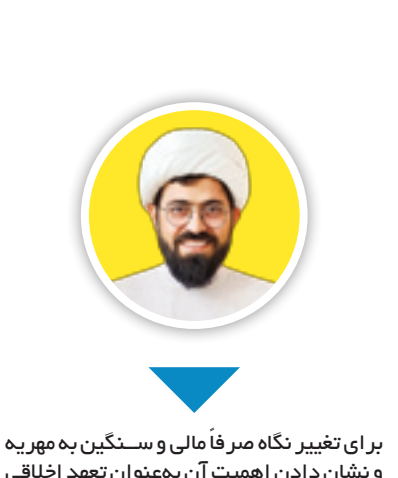
سکه به معیار اصلی مهریه تبدیل شده، زیرا مالیت آن قابل اندازه‌گیری است و اختلافی بین نظر زن، مرد و دادگاه ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، تورم و عدم ثبات اقتصادی باعث شده است افراد به دنبال تضمینی برای حفظ ارزش مهریه باشند، همچنین نمایش اجتماعی و چشم‌وهم‌چشمی، انگیزه‌ای برای تعیین مهریه‌های سکه‌ای ایجاد کرده است. برای جایگزینی مهریه سکه می‌توان چند راهکار فرهنگی، اجتماعی و مالی پیشنهاد کرد از جمله اینکه با بیمه مهریه یا بیمه عمر تضمین مالی برای زن در صورت جدایی بدون فشار مستقیم بر مرد ایجاد کرد. در گام دوم پرداخت مهریه تنها در صورت توان مالی مرد باشد که می‌تواند فشار ناشی از مهریه‌های سنگین را کاهش دهد. در نهایت تمرکز بر ارزش تعهدی و اخراقی مهریه باشد، به این معنی که بازگشت به معنای واقعی مهریه به عنوان نشانه محبت و مسئولیت باشد. این راهکارها می‌توانند هم بار مالی غیرضروری را کاهش دهند و هم نگاه جامعه به مهریه را از وثیقه اقتصادی به تعهد اخلاقی و فرهنگی تغییر دهند.

چطور می‌توان دختران و خانواده‌ها را متقاعد کرد که مهریه تنها یک پشتوانه اقتصادی نیست و ارزش واقعی آن در تعهد و احترام متقابل است؟

امروزه یکی از چالش‌های فرهنگی در زمینه مهریه، نگرش



خانواده‌ها و دختران به آن صرفاً به عنوان پشتوانه اقتصادی است. تجربه دادگاه‌ها نشان می‌دهد بسیاری از مهریه‌های سنگین حتی پس از سال‌ها پیگیری قابل وصول نیستند و این واقعیت باید به خانواده‌ها و زنان اطلاع داده شود تا ارزش واقعی مهریه و تأثیر اعداد غیرقابل پرداخت در زندگی مشترک روشن شود. مهریه باید نمادی از عشق و تعهد باشد و پرداخت



برای تغییر نگاه صرفاً مالی و سنگین به مهریه و نشان دادن اهمیت آن به عنوان تعهد اخلاقی و احترام متقابل، باید در وهله اول باور در ذهن خانواده‌ها و زوجین ایجاد شود که مهریه در اسلام نماد هدیه همرا ه با عشق و محبت است و نه صرفاً یک بار مالی یا اهرم فشار. مهریه زمانی معنا پیدا می‌کند که در بستر علاقه و احترام متقابل پرداخت شود. مبلغین و روحانیون می‌توانند از آموزش صحیح، فرهنگ ارزش واقعی مهریه را در جامعه تبیین کنند. این گان‌ها و نهادهای آموزشی نیز می‌توانند برنامه‌هایی طراحی کنند که خانواده‌ها و زوجین از جنبه اخلاقی و عاطفی مهریه مطلع شوند و آن را به عنوان پیمانی اخلاقی و حمایتی ببینند. در نهایت با بهبود حمایت حقوقی و کاهش تأکید صرف بر جنبه مالی مهریه، نهادهای قانونی می‌توانند بستری فراهم کنند تا مهریه بیشتر جنبه تعهد و عشق پیدا کند، نه ابزار فشار یا تهدید.

در گفت‌وگو با روان‌شناسان مطرح شد

آنچه مهریه را تبدیل به تهدید می‌کند رابطه بی‌گفت‌وگواست

او معتقد است زوج‌هایی که درباره مسائل مالی و مالکیت به توافق نرسیده‌اند، رابطه‌ای پایدار تر دارند، چون زن خود را دیده شده و ارزشمند می‌داند.

این درمانگر با تأکید به تفکیک روان‌شناسی و حقوق بیان داشت: «بخشی از اضطراب مردان از مهریه، ناشی از توان مالی و فشار قانونی است، نه مشکلات عاطفی. مهریه معمولاً زمانی وارد دعوا می‌شود که رابطه مدت‌ها قبل آسیب دیده است. وقتی احترام و صمیمیت از بین برود، آنجاست که مهریه به ابزار تبدیل می‌شود، بنابراین اگر در همان ابتدای رابطه، همه چیز به عدد سکه گره بخورد، یعنی پشت این عدد نگرانی‌های عمیق‌تری وجود دارد، پس می‌توان اینطور به مهریه نگاه کرد که فقط آینه‌ای است که مشکلات پنهان را نشان می‌دهد.»

■ مهریه سنگین برای مرد فشار روانی مزمن ایجاد می‌کند

دکتر ریحانه فیاض، روان‌شناس و زوج درمانگر نیز درباره زوج‌هایی که از ابتدا با نگاه اقصادی وارد ازدواج می‌شوند، می‌گوید: «برخی زوج‌ها از همان ابتدا نگاه اقتصادی و محاسباتی به ازدواج دارند و این نگرش می‌تواند مانع ایجاد صمیمیت واقعی شود. وقتی هر رفتار روزمره با حساب و کتاب سنجیده شود، رابطه از عاطفه تهی می‌شود.»

او نمونه‌ای از یکی از مراجعانش را مثال می‌زند و بیان می‌کند: «قای بود که متخصص دندانپزشکی و معتقد بود چون شأن اجتماعی‌اش بالاتر است، باید مهریه کمی تعیین شود. نگاهش این بود که همه چیز باید معامله‌وار جریان شود! گاهی در بین زوجین حتی رفتارهای ساده مثل سلام کردن به خانواده همسر، تبدیل می‌شود به یک داد و ستد: «اگر تو

این کار را کردی، من هم انجام می‌دهم.» وقتی زندگی با این نوع محاسبه جلو برود، خانه به محیط اداری تبدیل می‌شود و صمیمیت شکل نمی‌گیرد.»

فیاض تأکید می‌کند: «این نوع نگرش، پشت بسیاری از اختلافات زناشویی پنهان شده است. وقتی محبت مشروط شود، مقایسه‌ها آغاز می‌شود و رابطه توان تنفس عاطفی پیدا نمی‌کند.»

این استاد دانشگاه درباره مهریه‌های خارج از توان مالی مرد نیز

گفت: «مهریه‌های سنگین می‌تواند فشار روانی مزمن ایجاد کند. مرد احساس می‌کند زندگی‌اش هر لحظه در خطر است. این فشار مداوم می‌تواند حتی به بیماری‌های روان تنی منجر شود و کیفیت رابطه را فرسوده کند.»

وی در توضیح بیشتر افزود: «در خانواده‌هایی که مهریه سنگین دارند، اختلافات معمولاً حول مسائل مادی و ظاهری شکل می‌گیرد، خانه لوکس، ماشین تجملی، طلا و جواهری زیبایی. این اختلافات ریشه‌دار و سخت قابل حل هستند، چون معیارهای مادی حالت اعتقادی پیدا کرده‌اند.» این درمانگر، تفاوت میان زوج‌های با مهریه معقول و مهریه سنگین را چنین بیان می‌کند: «وقتی مهریه در حد عرف باشد، اختلافات اقتصادی و اجتماعی برای خانواده‌ها می‌شود. اما مهریه‌های سنگین اغلب اختلافاتی ایجاد می‌کند که ریشه در توقعات مادی بالا دارد و بسیار سخت‌تر حل می‌شود.» فیاض تأکید دارد: «زن برای احساس امنیت، نیاز به یک پشتوانه روانی و مالی دارد. زن باید بداند در زندگی تنها نیست و حداقلی از استقلال و امنیت دارد. مهریه معقول کمک می‌کند زن بدون نگرانی از آسیب‌پذیری مالی، به رابطه اعتماد کند. مردان نیز باید درک کنند نیاز زن به امنیت، به معنای سوءاستفاده نیست، بلکه پایه آرامش و رضایت زناشویی اوست.»

این استاد دانشگاه، در بخشی دیگر از این گفت‌وگو به محدودیت‌های قانونی برای زنانی در شرایط خاص و نیاز به بازنگری آن اشاره‌ای کرد و اظهار داشت: «گاهی زن در زندگی زناشویی در جریان اتفاقاتی قرار می‌گیرد که دیگر نمی‌تواند رابطه عاطفی را ادامه دهد. به طور مثال خیانت شوهر. در این شرایط قانون نیز حق طلاق، حضانت و بسیاری از حقوق مالی را از او گرفته است. زن در چنین شرایطی تقریباً هیچ پشتوانه‌ای ندارد و فشار روانی شدیدی را تحمل می‌کند، اینجاست که حمایت قانونی و مالی از زنان باید بازنگری شود تا زنانی که در زندگی مشترک آسیب دیده‌اند، بتوانند با حداقل امنیت به زندگی ادامه دهند.»

به اعتقاد این دو روان‌شناس در بسیاری از اختلاف‌ها، مهریه زمانی وارد ماجرا می‌شود که صمیمیت و گفت‌وگو از قبل کم شده و حس عدالت و امنیت از بین رفته است، اما وقتی رابطه سالم باشد، مهریه با اصل وارد دعوا نمی‌شود یا خیلی آرام و منطقی مطرح می‌شود. در واقع مشکل را باید در رابطه پیدا کرد، نه در تعداد سکه‌ها، پس باید گفت چیزی که زندگی را واقعی نگه می‌دارد، نه عدد است و نه سند، صداقت، احترام و صمیمیتی است که با معامله و حساب و کتاب خشک قاطی نشده باشد.

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان
سرمدبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویژه‌نامه: حسین گل محمدی
همکاران تحریریه: نیروه ساری، نیروه محمودی
محبوبه قربانی
چاپ: همشهری

کاشانه

جستار

مهریه‌های سنگین و تأثیر آن بر زندگی مشترک

قراردادی فرهنگی

یا معضلی اقتصادی واجتماعی؟



مهریه در ایران به‌طور تاریخی مفهومی فرهنگی داشته است: چیزی که بر اساس آن، مرد باید هنگام عقد مبلغی را به زن بپردازد تا از حقوق مالی او حمایت شده است. این تغییر نه تنها موجب بحران شده، بلکه مفهوم اولیه مهریه به‌طور کامل تغییر کرده است. در گذشته، مهریه به عنوان یک حق زن شناخته می‌شد، اما امروزه با توجه به افزایش قیمت‌ها و مشکلات مالی، مهریه‌های بالا به جای اینکه نمادی از احترام یا امنیت باشند، تبدیل به یک‌بار مالی سنگین می‌شوند که زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این تغییر نگرش در خصوص مهریه، به‌ویژه در سال‌های اخیر، باعث شده است این مفهوم از یک قرارداد فرهنگی به یک مشکل مالی پیچیده تبد یل شود. به‌طور خاص، بسیاری از زوج‌ها بدون توجه به شرایط مالی واقعی خود، اقدام به تعیین مهریه‌های سنگین می‌کنند. این انتخاب، نه تنها مشکلات اقتصادی زیادی برای زوجین ایجاد می‌کند، بلکه مشکلات روانی واجتماعی را نیز به دنبال دارد.

۱ فشارهای اقتصادی ناشی از مهریه‌های سنگین: در شرایط کنونی ایران، جایی که قیمت‌ها به سرعت در حال افزایش است، پرداخت مهریه‌های سنگین می‌تواند به یک فشار اقتصادی تبدیل شود. بسیاری از زوج‌ها وقتی درگیر مشکلات مالی می‌شوند، مهریه‌های بالای که هنگام عقد تعیین کرده‌اند، به‌طور غیرمستقیم زندگی‌شان را تحت فشار قرار می‌دهد. این فشار نه تنها به‌طور روانی واجتماعی به روابط آسیب می‌زند، بلکه در مواردی حتی باعث ایجاد بحران‌های مالی جدی می‌شود. در مواردی که زوج توانایی پرداخت این مهریه‌ها را ندارد، این وضعیت ممکن است باعث ورود به فرآیندهای طولانی و پیچیده حقوقی شود که خود به تنهایی به عنوان یک بحران اجتماعی محسوب می‌شود. در این فرایندها، وضعیت روانی طرفین هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هیچ کدام از آنها به راحتی نمی‌توانند از این بحران خارج شوند.

۲ آ یا مهریه بالا، واقعاً نفع زنان است؟ یکی از مسائل اصلی که در خصوص مهریه‌های سنگین مطرح می‌شود، این است که آیا چنین مهریه‌هایی واقعاً به نفع زنان است؟ بسیاری از زنان به‌طور سنتی اعتقاد دارند مهریه باید برای آنها یک تضمین باشد، اما آیا این تصور درست است؟ در بسیاری از موارد، مهریه‌های بالا به‌جای اینکه امنیت مالی برای زنان ایجاد کنند، به عنوان یک ابزار فشار در دنیای روابط مردانه شناخته می‌شوند.

۳ رابطه مهریه و طلاق، یک چرخه معیوب: مطالعات نشان می‌دهد مهریه بالا نه تنها باعث افزایش احساس امنیت در زنان نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد، موجب تشدید تنش‌ها و بحران‌های روانی می‌شود. این بحران‌ها در صورتی که روابط میان زوجین به طلاق منجر شود، نه تنها به‌صورت مالی، بلکه از نظر روانی واجتماعی هم اثرات منفی دارد. زمانی که مهریه‌های سنگین تعیین می‌شود، ممکن است به‌جای اینکه به عنوان یک عامل محافظت عمل کند، به عنوان یک ابزار تهدید در برابر یکدیگر در روابط زناشویی تبدیل شود. در این میان، بسیاری از زوجین به دلیل مشکلات مالی ناشی از مهریه‌های سنگین، به‌جای تلاش برای حفظ زندگی مشترک، به دنبال راه‌حل‌های قانونی می‌روند. این مسئله خود باعث افزایش روند طلاق و در نهایت مشکلات اقتصادی واجتماعی برای خانواده‌ها می‌شود.

۴ تأثیر مهریه‌های سنگین بر شرایط اجتماعی: در کنار مسائل اقتصادی، مهریه‌های سنگین تأثیرات منفی عمیقی بر شرایط اجتماعی جامعه می‌گذارد. برای مثال، وقتی مهریه‌های بالا رایج است، ممکن است بسیاری از جوانان به دلیل ترس از هزینه‌های سنگین مهریه از ازدواج منصرف شوند. این نگرانی باعث کاهش میزان ازدواج‌ها و در نتیجه افزایش سن ازدواج می‌شود. این تغییرات اجتماعی، در نهایت بر نسل‌های آینده نیز تأثیر خواهد گذاشت. جوانان در معرض فشارهای اقتصادی واجتماعی قرار می‌گیرند و این فشارها می‌تواند موجب کاهش کیفیت زندگی، بهبود روابط و در نهایت نارضایتی اجتماعی شود.

۵ ضرورت اصلاح فرهنگ مهریه در جامعه: یکی از مسائل اساسی برای حل مشکلات ناشی از مهریه‌های سنگین، اصلاح نگرش‌های فرهنگی واجتماعی در این زمینه است. لازم است جامعه ایران به‌طور جدی در مورد مفهوم مهریه بازنگری کند و آن را نه تنها به عنوان یک قرارداد مالی، بلکه به عنوان یک ابزار فرهنگی مثبت و منطقی به کار گیرد. فرهنگ‌سازی در مورد مهریه و معرفی آن به عنوان یک حق طبیعی و نه ابزاری برای فشار، یکی از گام‌های اولیه برای حل این بحران است. این فرایند باید در سطوح مختلف اجتماعی، از مدارس و دانشگاه‌ها گرفته تا رسانه‌ها و مراکز آموزشی آغاز شود. در کنار این، نیاز به اصلاحات قانونی و حمایت از زوج‌ها در مسیر ایجاد روابط سالم و برابر نیز ضرورت دارد. تنها در این صورت است که می‌توان به زندگی زناشویی پایدار رسید که نه تنها بر پایه عشق و تفاهم، بلکه بر پایه احترام به حقوق یکدیگر باشد.

۶ لزوم باز تعریف مهریه در ازدواج: شاید زمان آن رسیده است که به‌جای تمرکز بر مبلغ‌های سنگین و غیرمنطقی در مهریه، به مسائل اصلی‌تری مانند احترام متقابل، تفاهم و حقوق برابر در زندگی مشترک پرداخته شود. این امر می‌تواند باعث ایجاد تغییرات مثبتی در زندگی زناشویی زوج‌ها و بهبود روابط خانوادگی در جامعه ایرانی شود. در نهایت، به‌نظر می‌رسد مهریه، به‌جای اینکه از یک حق طبیعی به ابزاری برای فشار و بحران تبدیل شود، باید در مسیر احترام به حقوق فردی و حفظ روابط انسانی اصلاح شود. تنها در این صورت است که می‌توانیم به یک زندگی مشترک موفق و پایدار دست یابیم.



زندگی مشترک بی‌پشتوانه بمانند، نه اینکه دنبال سکه بیشتر باشند. این دختران باید پرسند چه چیزی به آنها احساس امنیت می‌دهد، حق اشتغال؟ سهم از دارایی؟ آینده؟ سهم مشترک؟ وقتی زوجین درباره این نگرانی‌ها صادقانه حرف می‌زنند، رابطه واقعی‌تر و محکم‌تر می‌شود.»